



The Nature and Effects of Publicity In The Light of Some Principles Governing Punishments

Abbas ali Akbari*¹ Mohammad Yousef Karimi²

Received: 2025/09/06

Accepted: 2025/12/19

Abstract

Introduction: The punishment of Tashhir (public exposure), meaning public identifying and introducing an offender to society, is among the punishments found in Islamic jurisprudence and Iranian criminal law. Despite Islam's emphasis on the principle of inherent human dignity and the sanctity of individual honor, this punishment has been established as an exception in specific cases and for defined objectives. The main goal of this article is to explore the jurisprudential and criminological foundations of the punishment of Tashhir, examine its criminal nature, and analyze its compliance with the governing principles of punishment in the Iranian legal system.

Method: This research was conducted using a descriptive-analytical method. By relying on jurisprudential sources, substantive laws (such as the Islamic Penal Code and the Code of Criminal Procedure), and criminological perspectives, it analyzes the punishment of Tashhir.

Findings: The analysis shows that Iranian laws do not precisely define "publicity," resulting in no suitable mechanism or model for its implementation. As a utilitarian punishment aimed at societal deterrence, any proposed model must reflect this purpose. The key criterion for prescribing publicity is the crime's connection to "public trust".

Conclusion: The punishment of Tashhir aligns with jurisprudential foundations and preventive objectives in Islamic law. However, its effective implementation in the Iranian legal system requires the establishment of a transparent legal framework, precise determination of crimes deserving Tashhir (primarily crimes against public trust), and the preparation of media and cultural appendices to secure public opinion cooperation. Without these requirements, not only does the efficacy of this punishment diminish, but it may also lead to adverse social effects.

Keywords: Publicity of Criminals, Public Announcement of Crime, Public Pnnouncement of Criminal, Criminology.



How to cite this article: Akbari, A.A., & Karimi, M.Y. (2025). The Nature and Effects of Publicity In The Light of Some Principles Governing Punishments. *Law and Public Order*, 1(2), 35-54. (In Persian).

¹ Assistant Professor, Department of Law, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

*Corresponding Author: dr.akbari@iaui.ir

² PhD student, Department of Criminal Law, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran.



ماهیت و آثار تشهیر در پرتو برخی از اصول حاکم بر مجازات‌ها

عباسعلی اکبری*^۱ محمد یوسف کریمی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۲۸

چکیده

قانونگذار ایرانی در قوانین موضوعه کشور، مجازات «تشهیر» را به عنوان یکی از انواع مجازات‌ها پذیرفته و مقرراتی در این زمینه وضع نموده است. این مجازات که به معنای شناساندن و معرفی مجرم به عموم مردم همراه با تحقیر وی است، با هدف ایجاد بازدارندگی عمومی طراحی شده است. با این حال، شرع و قوانین موضوعه در مواردی استثناها و شرایط خاصی را برای اعمال این مجازات در نظر گرفته‌اند. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده و ماهیت، مبانی و آثار مجازات تشهیر را در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد. تجزیه و تحلیل نشان می‌دهد که قوانین ایران «تشهیر» را به طور دقیق تعریف نکرده‌اند و در نتیجه هیچ سازوکار یا الگوی مناسبی برای اجرای آن وجود ندارد. از آنجا که این یک مجازات فایده‌گرایانه با هدف بازدارندگی اجتماعی است، هر الگوی پیشنهادی باید این هدف را منعکس کند. معیار کلیدی برای تجویز تشهیر، میزان ارتباط جرم با مقوله «اعتماد عمومی» است. با توجه به خلأ قانونی و نبود سازوکار شفاف برای اجرای مجازات تشهیر در نظام قضایی ایران، ضرورت تدوین یک چارچوب قانونی دقیق و روشن احساس می‌شود. این چارچوب باید با رعایت اصول حقوقی مانند تناسب، قانونمندی مجازات‌ها و همچنین ملاحظات شرعی، معیارهای جرمانگاری، نحوه اجرا و حدود آن را مشخص نماید. تمرکز بر جرایمی که اعتماد عمومی را به شدت خدشه‌دار می‌سازند، می‌تواند به عنوان مبنای مناسبی برای اعمال این مجازات در نظر گرفته شود. در عین حال پذیرش تشهیر به عنوان یک مجازات بازدارنده از سوی افکار عمومی رکن اساسی در تعیین مطلوبیت مجازات مزبور است و اصول مترقی حقوق کیفری همانند اصل تناسب جرم با مجازات، منافاتی با «تشهیر» ندارد.

واژه های کلیدی: تشهیر، مجرم، اعلام، مجازات، جرم‌شناسی.



استناد: اکبری، عباسعلی؛ کریمی، محمدیوسف (۱۴۰۴). ماهیت و آثار تشهیر در پرتو برخی از اصول حاکم بر مجازات‌ها. *حقوق و نظم عمومی*، ۱(۲)، ۳۵-۵۴.

۱. استادیار گروه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول)

a.ali_akbari@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری، گروه حقوق جزا، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

مقدمه

یکی از اصول حاکم بر مجازات های اسلامی، اصل کرامت ذاتی انسان است. در شرع مقدس اسلام به مدلول آیه شریفه « لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ... » (اسراء، ۷۰)، انسان به ما هو انسان، جایگاه و منزلتی والا دارد و هیچ کس حق ندارد به ناحق این جایگاه رفیع را که هدیه خداوند است، از او بگیرد. بنابراین حتی اگر انسانی مجرم باشد باید در اجرای مجازات کرامت ذاتی اش حفظ گردد مؤید این مطلب احادیث ماثور زیادی است درباره این که مسلمانان نباید در پی فاش کردن لغزش ها و خوار کردن یکدیگر باشند. بنابر آنچه گفته شد به مدلول کتاب و سنت، اصل، حرمت آبروی مسلمان است. با این وجود، در این زمینه شرع استثناهایی نیز قائل شده است. یکی از این استثناءها، وضع مجازات تشهیر است که به معنای شناساندن مجرم به مردم همراه با استخفاف وی می باشد. این مجازات به جرم های محدودی اختصاص یافته مثلاً در مورد شاهد زور که با شهادتش موجبات آزار دیگران را فراهم نموده و به حقوق فردی و اجتماعی دیگران متعرض گردیده است، مجازات تشهیر وضع شده تا ضمن اثر تربیتی برای خود مجرم، از تکرار جرم جلوگیری شود و موجبات عبرت دیگران فراهم آید. همچنین در مورد مفلس (ورشکسته) و محتال (کلاهبردار) برای شناساندن آنها به مردم و جلوگیری از ضرر دیگران به واسطه جهل به افلاس یا احتیال وضع شده است کیفر تشهیر در فقه اسلامی، کیفری مشروع شناخته شده است که در جرایم مختلف و با توجه به میزان ضرری که به واسطه ناشناخته ماندن مجرم ممکن است به جامعه وارد آید، ضروری دانسته شده و بر اجرای آن تأکید گردیده است. از طرفی، قوانین موضوعه ایران نیز از فقه اسلامی نشأت گرفته اند و هیچ قانونی فراتر از محدوده آن، در قوانین موضوعه اسلامی وجود ندارد. رویکرد کیفر تشهیر از طریق معرفی مجرم توسط رسانه های گروهی اعم از رادیو، تلویزیون، ماهواره، اینترنت و یا انتشار حکم مجرم همراه با نام و مشخصات و نوع جرم او در روزنامه های کثیرالانتشار یا حتی روزنامه های محلی و یا رسوایی مجرم از طریق اجرای علنی مجازات او، همانند دیگر مجازات های شرعی، در حقوق جزا نیز پذیرفته شده است.^۱ یکی از مباحث و موضوعات مهمی که در فقه جزایی و به تبع آن حقوق موضوعه محل بحث است موضوع تشهیر و مجازات و مبانی آن است. از آنجایی که در دین اسلام و مبانی عقیدتی آن، اصل و اساس حرمت آبروی مسلمان و افراد انسانی است ممکن است در زمینه اصل مبانی تشهیر اجرای مجازات، تشهیر، مجری تشهیر و بسیاری از فروع این موضوع سؤال و ابهاماتی وجود داشته باشد و با توجه به اختلاف آشکار میان نظر مشهور فقها در جرائم محکوم به تشهیر و محدود بودن این کیفر در قانون به اختلاس و موارد مشابه آن و همچنین حساسیت این حکم بررسی مبانی فقهی و موارد اجرا بررسی مبانی و موارد اجرا تشهیر در فقه امامیه و قوانین جزایی ایران ضروری به نظر میرسد. قانونگذار ایرانی نیز در قوانین موضوعه کشورمان تشهیر را به عنوان یکی از انواع مجازات ها پذیرفته و قوانینی در این زمینه وضع نموده است. در

مرتاض، احمد (۱۳۹۶)، بررسی مبانی تشهیر از منظر مذاهب خمسسه و حقوق موضوعه، مجله علوم قضایی، سال هفتم، شماره ۳۹، ص ۵۵.^۱

پارسا پور، محمد باقر (۱۳۹۳)، فلسفه اعلامی عمومی جرم، قم، مجله ی پژوهش های فلسفی کلامی، سال چهارم، شماره ی اول و دوم، ص ۱۰۶.^۲

این پژوهش که به روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته است، تشهیر متهمین و مجرمین در ایران از منظر جرم‌شناختی و مبانی فقهی مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

۲. مفهوم «تشهیر» و وجه تمایز آن با مفاهیم مرتبط

واژه «تشهیر» مصدر باب «تفعیل»، از ریشه «شَهَر» می‌باشد که در لغت به معنای «مشهور کردن» و «واضح کردن» و «اظهار» آمده است^۱ و چون در ابتدای هر ماه، هلال ماه، ظاهر و آشکار می‌گردد به هلال ماه نیز در زبان عربی، «شَهَر» گفته می‌شود و بعدها نیز به کل سی یا بیست و نه روز ماه قمری، «شَهَر» گفته شده است.^۲ برخی از واژه‌شناسان معنای رسوا کردن را نیز برای آن بیان کرده‌اند.^۳ مؤلف لسان‌العرب در این خصوص می‌آورد: «مراد از تشهیر، نشان دادن چیز زشت به مردم به قصد مفتضح کردن و رسوا کردن فرد زشت کار یا آشکار شدن چیز قبیح است، تا آن حد که مردم آن را بشناسند.»^۴ صاحب‌المنجد، «تشهیر» را در لغت به معنای «ذکر کردن و شناساندن» دانسته است. گاه به جای «تشهیر مجرم» از تعبیر «إشهار»، «شَهْرَة» و «شَهَر مجرم» نیز استفاده شده است. «تشهیر» به عنوان یک اصطلاح فقهی، در ابواب مختلف و موارد زیادی همچون: تشهیر حجر محجور، تشهیر سلاح، تشهیر امر عقد ازدواج، تشهیر و علنی کردن اجرای مجازات، تشهیر و اجرای علنی انعقاد پیمان و قرارداد و تشهیر و اشاعه فحشا و... استعمال می‌گردد. بدین ترتیب، واژه «إشهار» و تشهیر بر حسب آنچه بدان اضافه می‌شود، مفهوم خاصی پیدا می‌کند. در مباحث جزایی، «تشهیر» هم به عنوان «جرم»، مطرح می‌شود و هم به عنوان نوعی «مجازات»؛^۵ مثلاً در برخی موارد و در پاره‌ای از متون معاصر، در تبیین موضوع و حکم «جرم قذف» به جای خود لفظ «قذف»، از واژه «تشهیر» نیز استفاده شده است، زیرا در «قذف»، فرد قاذف، «فحشای به ظاهر رخ داده توسط مقذوف» را با لفظی بر زبان آورده و علنی می‌سازد.

افزون بر این، «تشهیر» به عنوان «جرم» در بحث محاربه و افساد فی الارض نیز مطرح می‌گردد و تشهیر و اظهار سلاح برای ترساندن مردم، حرام و اشهارکننده، محارب است.^۶ بدین ترتیب، «تشهیر» در فقه، یک معنای عام دارد که عبارت است از: «اعلام عمومی» و «نشان دادن و شناساندن یک چیز یا یک فرد یا یک موضوع به عموم مردم».^۷ در مباحث فقه جزایی و حقوق کیفری و در خصوص مجازات و عقوبت نیز «تشهیر» به معنای «اعلام عمومی جرم» و «شناساندن مجرم به عموم مردم» می‌باشد، پس

^۱ جوهری، ابونصر (۱۴۰۷ه.ق)، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، ج ۲، چاپ چهارم، بیروت: دارالعلم للملایین، ص ۷۰۵.

^۲ زبیدی، مرتضی (۱۴۲۰ه.ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۷، چاپ سوم، الناشر: دار الفکر، ص ۶۶.

^۳ جوهری (۱۴۰۷ه.ق)، پیشین، ص ۷۱۵.

^۴ ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ه.ق)، لسان العرب، جلد ۱۴، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت، چاپ سوم، ج ۵، ص ۱۵۴: «و المقصود بالتشهر، إظهار الشيء القبيح للناس بقصد الفضيحة و الشنعة، أو ظهور الشيء في شنته حتى يشهره للناس».

^۵ حیدری، علی‌مراد (۱۳۹۲)، نقد کیفرشناختی تشهیر رسانه‌ای، حقوق اسلامی، سال دهم، شماره ۳۸، ص ۱۳۴.

^۶ نجفی، محمد حسن (بی‌تا)، جواهرالکلام فی شرح شرایع‌الاسلام، بیروت: مؤسسه‌المرتضی‌العالمیه، ج ۴۱، ص ۵۶۴.

^۷ جمعی از نویسندگان (۱۴۲۷ه.ق)، الموسوعة الفقهیة الكويتیة، ج ۲، قاهره: طبع الوزارة، ص ۱۴۸۸.

«تشهیر» به عنوان یک نوع «ضمانت اجرایی و واکنش کیفری» است که ادله فقهی و مبانی نظری و ماهیت کیفری آن، موضوع این نوشتار است و عبارت است از: «اطلاع‌رسانی حال مجرم به عموم مردم» و به تعبیر دیگر، «اطلاع‌رسانی مجرم، جرم و مجازات او به مردم» که مطابق مبانی و مستندات فقهی و حقوقی، «صرفاً جهت شناساندن او به عموم افراد برای سلب اعتماد و توانگیری از وی» و نه برای بدنام ساختن و تحقیر و بی‌آبرویی و رسوا کردن او اجرا می‌گردد. بدیهی است که این اطلاع‌رسانی عمومی از طریق درج در رسانه یا گرداندن در ملاء عام و دیگر راه‌ها قابل اجراست. پس از تشریح معنای لغوی و اصطلاحی «تشهیر» گفتنی است که واژگان دیگری نیز به عنوان مترادف عنوان «تشهیر مجرمان» در کلام فقیهان به کار رفته است که گاه از روی تسامح و به غلط، به عنوان معادل «تشهیر» و جایگزین آن استعمال گردیده و گاه نیز با نگاهی تک بُعدی، عنوان دالّ بر یکی از مصادیق «تشهیر»، معادل تشهیر قلمداد شده است. همین اشتباه موجود و تلاش در جهت رفع آن، ضرورت طرح واژگان معادل و بررسی معانی واقعی و دقیق آنها را دو چندان می‌نماید. در یک جمع‌بندی کلی، این واژه‌ها عبارتند از: «اعلام»، «اعلان»، «افشا»، «اظهار»، «إجهار»، «اشاعه»، «إطافه»، «کشف»، «تشنیع» و «فضح». البته همانگونه که اشاره شد از نظر معنا و نیز از نظر کثرت کاربرد، تفاوت‌های جزئی و گاه کلی، بین این اصطلاحات به ظاهر مترادف وجود دارد.

۳. ماهیت کیفری تشهیر

به نظر می‌رسد که عبارات: «حتی یعرفوا و لا یعودوا؛ تا شناخته شده و تکرار نکنند» و «لیرتدع؛ تا مرتکب نشوند» و امثال آن در روایات دال بر تشهیر و کلام فقیهان که به عنوان «علت حکم تشهیر» آمده است، بیانگر «اقدام تأمینی» بودن «تشهیر» می‌باشد. در مجموع می‌توان گفت: هر چند که برخی از فقیهان در موارد گوناگون از «تشهیر» به «تعزیر» یاد کرده‌اند و نه اقدام تأمینی، اما چنان که پیش‌تر اشاره گردید، باید توجه داشت که اصطلاح اقدامات تأمینی، اصطلاح نوینی است که ورود چنین تعبیری را در متون کهن و حتی متأخر فقهی نباید انتظار داشت، بلکه می‌بایست دقت داشت که فقیهان همه موارد غیر از «حد»، «کفاره»، «قصاص» و «دیات» را «تعزیر» نامیده‌اند، خواه جنبه مجازاتی داشته باشد و خواه صرفاً جنبه پیشگیری را دنبال نماید، اما خود ایشان، در میان تعزیرات، پس از ذکر چند مورد خاص، هدف از آن دسته خاص از تعزیرات را «عدم مجازات» و صرفاً «تدبیری جهت بازداشتن مجرم از تکرار جرم» بیان کرده‌اند که همان هدفی است که اقدامات تأمینی دنبال می‌کند.

شایان توجه این که محقق اول در تعریف تعزیر آورده است: «هر آنچه که مجازات معینی داشته باشد، نامش حد است و آنچه که به این صورت نباشد تعزیر نام دارد».^۱ پرفسور محمود نجیب حسنی در این خصوص می‌نویسند: در سیاست جنایی عصر کنونی، از

^۱ محقق حلی، شرائع الإسلام، ج ۴، ص ۱۳۶: «کل ما له عقوبة مقدرة یسمى حداً، و ما لیس كذلك، یسمى تعزیراً».

آن دسته مجازات تعزیری که برای مقابله با حالت خطرناک مجرم و در جهت پیشگیری از وقوع جرم اعمال می‌شود، با عنوان (اقدامات تأمینی یا تدابیر بازدارنده) یاد می‌گردد.^۱

به هر حال، این اختلاف در آراء، ناشی از دشواری تفکیک کیفرهای تعزیری از یکدیگر می‌باشد که نظریه «یگانگی مجازات و اقدامات تأمینی»^۲ در حقوق موضوعه کنونی نیز تکرار همین نگاه است، به نحوی که دشواری تمیز بین مجازات و اقدامات تأمینی، دلیل بر گرایش عده زیادی از صاحب نظران حقوق کیفری به عقیده یگانگی بین این دو نوع واکنش کیفری شده است، زیرا همگی تدابیری هستند که خواه به نحو ذاتی و خواه به نحو عرضی و ناخواسته، واجد دو خصیصه سرکوبنده و پیشگیرانه می‌باشند. بدین علت می‌بینیم قانون مجازات فرانسه، مصوب ۱۹۹۲، با حذف اصطلاح اقدام تأمینی از قوانین قبلی، هیچگونه تفکیکی بین مجازات‌ها و اقدامات تأمینی قایل نشده و بدین ترتیب نظام مجازات‌های واحد را برقرار ساخته است.^۳

قانونگذار ایران نیز علیرغم اشاره به اقدامات تأمینی در ماده یک قانون مجازات جدید (مصوب ۹۲)، در ماده ۷۲۸ همان قانون، صریحاً به نسخ قانون اقدامات تأمینی ۱۳۳۹ اشاره کرده و نظام واحد مجازات‌ها را پذیرفته است. این قانون، در ماده یک چنین مقرر می‌دارد: ماده ۱: قانون مجازات اسلامی مشتمل بر جرایم و مجازات‌های حدود، قصاص، دیات و تعزیرات، اقدامات تأمینی و تربیتی شرایط و موانع مسئولیت کیفری و قواعد حاکم بر آنها است. در عین حال در ماده ۷۲۸ می‌خوانیم:

کلیه قوانین و مقررات مغایر با این قانون از جمله، قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۸۰/۸/۵، مواد (۶۲۵) تا (۶۲۹) و مواد (۷۲۶) تا (۷۲۸) کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۲/۳، قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹/۱۲/۲ و قانون تعریف محکومیت‌های مؤثر در قوانین جزایی، مصوب ۱۳۶۶/۷/۲۶ و اصلاحات و الحاقات بعدی آنها نسخ می‌گردد.

گفتنی است که تعزیر را با نگرش‌های مختلف، به گروه‌های گوناگون می‌توان تقسیم نمود، چنانچه در تقسیم بندی متعارف، تعزیر را «براساس موضعی که بر آن، آسیب وارد می‌کند» به انواع مختلف، همچون: ۱. مجازات‌های بدنی (تازیانه)؛ ۲. مجازات‌های مالی (جریمه نقدی)؛ ۳. مجازات حیثیتی و... دسته بندی می‌کنند، اما توجه به این نکته مهم که برخی از تعزیرات اساساً هدفی غیر از تنبیه، تأدیب و مجازات مجرم را دنبال می‌کند، ما را با دسته‌بندی جدیدی از تعزیرات آشنا خواهد نمود.

^۱ حسنی، التشریح الجنائی الإسلامی، ص ۵۶.

^۲ آقای جنت مکان، حقوق کیفری عمومی، ج ۲، ص ۱۸۴.

^۳ استفانی، حقوق جزای عمومی، ج ۲، ص ۶۲۰.

توضیح مطلب اینکه، با توجه به گستردگی دایره تعزیرات، در میان گونه‌های متنوع آن با مواردی همچون تخریب ابزار یا مکان ارتکاب جرم و تشهیر مجرم و همانند آن مواجه می‌شویم که به قصد تحمیل فشار مالی به مجرم و جریمه مالی او، به قصد تحقیر و مفتضح کردن شخصیت جانی در مورد او اعمال نمی‌گردد، بلکه تنها با هدف «از بین بردن زمینه تکرار جرم و خنثاسازی بستر ارتکاب مجدد آن در آینده» اجرا می‌شود.^۱ در مقابل، تعزیراتی، همچون: حبس، سخت‌گیری از نظر غذا، جریمه نقدی، ممنوعیت شغلی، تبعید، منزوی کردن و...، به قصد تنبیه مجازات و تحمیل نوعی فشار بدنی، مالی یا روانی و...، به مورد اجرا گذاشته می‌شود و از این رو، اعمال یک به نوع تعزیر در قبال همه جرایم مستوجب تعزیر، با اشکال اساسی مواجه است.

حال، در نظام حقوق کیفری کنونی، از آن دسته تعزیرات که تنها با هدف «از بین بردن زمینه تکرار جرم و خنثاسازی بستر ارتکاب مجدد آن در آینده» اجرا شده و وجهه غیر مجازاتی دارند به «تدابیر بازدارنده» یا «اقدامات تأمینی» تعبیر می‌شود. با این توضیحات روشن گردید که در متون فقهی از «تشهیر» به عنوان یک مورد تعزیری بازدارنده و پیش‌گیرنده و عاری از جنبه مجازاتی یاد شده است که دقیقاً مترادف با اصطلاح حقوق کیفری «اقدام تأمینی» است و هدف چنین اقداماتی را دنبال می‌کند.^۲ زیرا مطابق ماده یک قانون اقدامات تأمینی ایران، مصوب ۱۳۳۹ آمده است که: «اقدامات تأمینی عبارتند از تدابیری که دادگاه برای جلوگیری از تکرار جرم (جنحه و جنایت) درباره مجرمین خطرناک اتخاذ می‌کند». از این رو، هر جا که این خطر احساس شود که مجرمی با تکیه بر حسن اعتماد مردم و عدم آگاهی آنان، جرم خود را در آینده نیز تکرار کرده و دیگران را هم بزه دیده خواهد نمود، «تدبیر تشهیر» در مورد او قابل اجراست و این کار موجب می‌گردد تا مجرم مورد اشاره، عملاً نتواند برای بار دیگر مرتکب آن جرم شود (فلاً یعودوا).

در جهت اثبات همسان بودن تعبیر «تعزیر» در کلام فقیهان، با تعبیر «اقدام تأمینی» و برای نمونه باید گفت: در روایات عامه آمده است که حضرت امیر مؤمنان علی دستور دادند تا مکانی که در آن خمر فروخته می‌شد مصادره و سپس سوزانده و تخریب گردد.^۳ در روایت دیگری نیز وارد شده است که امام علی دستور داد محلی را که اشخاص هرزه و بدکار جمع می‌شدند خراب کنند.^۴ حال، از این عمل آن حضرت در برخی از متون فقهی، با عنوان «تعزیر» یاد شده است،^۵ در حالی که در آثار برخی از کارشناسان حقوق اسلامی، از همین امر به عنوان نمونه ای از «اقدامات تأمینی و بازدارنده» نام برده شده است.^۶

^۱ غلامی و همکاران (۱۳۹۷)، پیشین، ص ۱۵۹.

^۲ حیدری، علی مراد (۱۳۹۲)، نقد کیفرشناختی تشهیر رسانه‌ای، حقوق اسلامی، سال دهم، شماره ۳۸، ص ۱۳۹.

^۳ ابن تیمیه، کتاب الحسبه «الحسبه و مسئولیة الحكومة الإسلامية»، ص ۵۹.

^۴ متقی هندی، کنز العمال، ج ۵، ص ۴۸۸.

^۵ منتظری، دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الإسلامية، ج ۲، ص ۳۳۸.

^۶ عبدالفتاح، «التدابیر الاحترازیة و التشریح العقابیة الإسلامية»، ص ۱۲ و نیز رک: رهامی، اقدامات تأمینی و تربیتی از نظر قرآن و سنت، ص ۱۰۱.

قانونگذار ایران نیز سابقاً چنین کاری را به عنوان یکی از موارد اقدامات تأمینی شناخته بود و در ماده ۱۳ قانون منسوخ اقدامات تأمینی ایران، مصادره و نابود کردن ابزار ارتکاب جرم را تجویز نموده بود.

کوتاه سخن اینکه، اقدامات تأمینی، دسته ویژه‌ای از تعزیرات هستند که در مورد افراد خاصی از مجرمان و در موارد احتمال آسیب‌پذیری مجدد دیگر افراد جامعه صورت می‌پذیرد. این تدابیر و اقدامات، ویژه مجرمان خطرناک که احتمال تکرار ارتکاب جرم توسط آنان وجود دارد و در جهت تأمین جامعه و دور کردن دیگر افراد جامعه — علاوه بر بزه دیده — از خطر تعرض و بزه دیدگی توسط او در موردشان اجرا می‌گردد. از میان این تدابیر و اقدامات پیش‌گیرنده و تأمین‌کننده می‌توان «تشهیر» و «اعلام عمومی مجرم، برای شناساندن او به مردم در جهت در امان نگه داشتن خودشان از وی» را نام برد.^۱ این امر در مورد هر کس که در فساد و بزهکاری به جایی برسد که ضرورت داشته باشد مردم او را بشناسند تا فریبش را نخورند و به او اعتماد نکنند، اعمال می‌شود زیرا بی‌گمان لطمه زدن به شهرت مجرم حرفه‌ای و افشای ماهیت او و اخطار به بزه‌دیدگان بالقوه می‌تواند فرصت بزهکاری آنان را کاهش داده، از او سلب توان کند و امنیت مردم را تأمین نماید.^۲ اساساً پیشگیری از جرم در اقدامات تأمینی، با یکی از سه طریق: «اصلاح و تربیت»، «معالجه و درمان» یا «خنثاسازی و نظارت» انجام می‌پذیرد که در این میان، «تشهیر مجرمان خطرناک متکی بر فریب افکار عمومی و سوء استفاده گر از اعتماد مردم» در راستای روش اخیر صورت گرفته و ابزاری برای تحقق آن خواهد بود.

۴. ارتباط کیفر تشهیر با برخی اصول حاکم بر کیفرها و مجازات‌ها

از جمله نکات مهم قابل بررسی در بحث مبانی حقوقی فلسفی «معرفی عمومی و تشهیر مجرم»، انطباق یا عدم انطباق واکنش کیفری تشهیر مجرمان خطرناک با سه اصل: «تناسب جرم و مجازات»^۳ و «تناسب جرم و مجرم» و «شخصی کردن مجازات‌ها» می‌باشد که باید یک به یک به آن پرداخت.

^۱ علیزاده، محسن (۱۳۹۵)، بررسی مبانی و آثار اجرای علنی کیفر، مجله امنیت، سال پنجم، شماره ۲۳، ص ۸۱.

^۲ میرخلیلی، سید محمود و عزیزی، سمیه (۱۳۹۸)، بررسی آثار بازنمایی جرم در اخبار و گزارش‌های رسانه‌ای با تأکید بر پیشگیری از جرم، رهیافت پیشگیری، شماره ۷، ص ۷۴.

^۳ تناسب بین جرایم و کیفرها در دو مرحله قابل تحقق است: یکم: مرحله قانون‌گذاری و تقنین؛ دوم: مرحله قضاوت و اجرا؛ یعنی یکی از مراحل ایجاد تناسب بین جرم ارتكابی و واکنش کیفری مترتب بر آن، مرحله تقنین است که از آن به تناسب جرم و مجازات تقنینی یاد می‌شود و آنچه در اینجا تحت عنوان «اصل تناسب جرم و مجازات» از آن بحث می‌شود، مراد همان مرحله «تناسب تقنینی» است.

۱.۴. تطبیق اصل تناسب جرم و مجازات با تشهیر مجرمان خطرناک

در خصوص رعایت یا عدم رعایت اصل اول؛ یعنی «تناسب جرم و مجازات» در وضع کیفر تشهیر برای این دسته از مجرمان، دقت در این نکته ضروری است که برخی معتقدند دو توجیه رقیب در تبیین فلسفه مجازات‌ها وجود دارد که عبارتند از: رویکردهای فایده‌گرایی (مکتب کلاسیک) و سزادهی (مکتب نئوکلاسیک). در این میان تنها با مبنای سزادهی است که می‌توان به تناسب مجازات با جرم رسید، زیرا با مبنای فایده‌گرایی مجازات متناسب مجازاتی است که از آمار بزهکاری بکاهد، خواه در حقیقت، متناسب با جرم باشد و خواه نباشد،^۱ اما در رویکرد انتقام و سزادهی، شدت مجازات، مستقیماً به شدت جرم وابسته است و تناسب مجازات و جرم مد نظر می‌باشد.^۲ این اصل به معنای آن است که مجازات از جهت نوع، میزان، سختیت و... باید با جرم متناسب باشد و به عبارت دیگر مجازات باید از نوع جرم باشد.^۳ در این فلسفه کیفری، کیفر به اعتبار غایت و غرض و اثر هراس‌انگیزی که در بیشتر افراد جامعه پدید می‌آورد، توجیه شده و این هدف، وسیله نیل به آن را توجیه می‌کند، به همین علت فرانک^۴ معتقد است: پذیرفتن این نظریه «زشت و آشوبنده» می‌باشد.^۵ این همه نشان آن است که اصل تناسب جرم و مجازات فقط می‌تواند با رویکرد «سزادهی» تحلیل گردد و با این نگاه، کیفر «تشهیر» به دلیل نداشتن حیثیت مجازاتی و تنبیهی و سزادهی، تخصصاً از مینا و اصل تناسب تقنینی جرم و مجازات خارج است و به اصطلاح «خروج موضوعی» دارد. توضیح مطلب اینکه، با عنایت به متن روایات دال بر «تشهیر شاهدان زور»، به ویژه مؤثقه سماعه که در آن آمده است: سماعه از امام صادق نقل می‌کند که آن حضرت فرمودند: شاهدان زور، به مقدار نامعین و به تشخیص حاکم، تازیانه خورده و گردانده می‌شوند تا شناخته شده و دوباره آن جرم را تکرار نکنند...^۶

و نیز با عطف نظر به آنچه پیش از این به اختصار در خصوص ماهیت کیفری «تشهیر مجرمان» و «اقدام تأمینی بودن آن» در مواجهه با مرتکبان شهادت زور و سایر جرایم متکی بر ناآگاهی عمومی و برخاسته از فریب آنان گفته شد به وضوح روشن می‌گردد که «تنبیه و سزادهی» شاهد زور که نوع و میزان آن به تشخیص حاکم شرع واگذار گردیده است، امری جدا از خود تشهیر و معرفی

^۱ آهنگران، محمدرسول و همکاران (۱۳۹۸)، جایگاه تشهیر رسانه‌ای در مبارزه با مفاسد اقتصادی، رهیافت انقلاب اسلامی، شماره ۴۹، ص ۱۳۶.

^۲ نیوبر، دیوید (۱۳۸۹)، نظام عدالت کیفری و ساختار محاکم در آمریکا (آیین دادرسی کیفری)، ترجمه حمیدرضا قراگوزلو، چاپ اول، تهران: مجد، ص ۵۸۲ و ۵۸۵.

^۳ آقای جنت مکان، حسین (۱۳۹۹)، حقوق کیفری عمومی، چاپ چهارم، تهران: مجد، ص ۲۰۲.

^۴ Franck

^۵ اردبیلی، محمدعلی (۱۴۰۰)، حقوق جزای عمومی، ج ۱، چاپ ۶۴، تهران: میزان، ص ۸۹-۸۸.

^۶ حرعاملی، محمدبن‌حسن (۱۴۰۰)، وسائل الشیعه، ج ۲۷، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ص ۳۳۳. کتاب الشهادت، باب ۱۵، ح ۱: «عن أبي عبد الله قال: شهود الزور يُجلدون حدا، و ليس له وقت، ذلك إلى الإمام، و يُطافُ بهم حتى يُعرفوا ولا يعودوا. قال: قلت: فإن تابوا وأصلحو تُقبل شهادتهم بعد؟ قال: إذا تابوا تاب الله عليهم، و قبلت شهادتهم بعد».

عمومی است که به قصد شناساندن به عموم افراد برای خنثاسازی عملکرد فریبکارانه و غیر حقیقی شهود زور در موارد آتی رخ می‌دهد؛ یعنی شاهد زور از یک سو به سبب ارتکاب جرم شهادت زور «در گذشته» تعزیر می‌گردد و از سوی دیگر، جهت جلوگیری از قربانی سازی مجدد دیگر افراد مرتبط با او «در آینده» و توانگیری از او، به آنان معرفی می‌شود که این واکنش دوم، درست است که به دنبال وقوع جرم از طرف او در مورد وی اعمال می‌شود و یک واکنش کیفری و مقابله با جرم به شمار می‌آید، اما عاری از هرگونه خصیصه تنبیهی و به اصطلاح، سزادهی است، پس ناظر به آینده و ممانعت از تکرار دوباره بزه‌دیده‌سازی مجرم در مراتب آتی می‌باشد. به علت همین رویکردی که در واکنش کیفری تشهیر و اطلاع رسانی عمومی مجرم و جرم و مجازات او وجود دارد، تحلیل این نوع پاسخ کیفری، از نگاه گفتمان‌های سزادهی، از جمله: «گفتمان عدالت کیفری سزادهنده»^۱ و اصول برخاسته از این تئوری‌ها، همچون اصل تناسب مجازات و جرم، نادرست و بلکه غیر ممکن است. اما باید اذعان داشت که چنین نگاهی به سرمنشأ اصل تناسب جرم و مجازات و مفهوم برداشت شده از آن نادرست است زیرا تحقیق پژوهشگران، گویای این است که از نظر تاریخی، تئوری تناسب مجازات با جرم ارتكابی ریشه باستانی دارد و استفاده از مجازات‌های: «قصاص»، «شبه قصاص» و «قصاص واسطه‌ای» در حقوق بین‌النهرین حکایت از این امر دارد.

در عین حال اعتراف و اذعان به این اصل، به صورت رسمی در قوانین و مقررات، سابقه چندان طولانی ندارد و حداکثر سابقه تاریخی آن را می‌توان به زمان صدور منشور کبیر انگلستان که در ژوئن ۱۲۱۵ میلادی به تصویب پادشاه انگلستان رسیده است برگرداند. ماده ۲۰ این منشور که یکی از اسناد مهم در تاریخ حقوق بشر محسوب می‌گردد، در خصوص ضرورت رعایت تناسب بین جرم و کیفر، چنین مقرر می‌دارد: فردی آزاد برای بزهی به کیفر نمی‌رسد، مگر بر پایه اندازه آن بزه و برای بزه بزرگ بر پایه بزرگی آن به کیفر خواهد رسید. البته قابل انکار نیست که تئوری تناسب جرم و مجازات تحت تأثیر آموزه‌های مکاتب مختلف کیفری و جرم‌شناختی از جمله: مکتب کلاسیک، نئوکلاسیک، تحقیقی، دفاع اجتماعی و مکتب جرم‌شناسی بزه‌دیده‌شناختی، همواره در حال تحول و تکامل بوده است.^۲

در شریعت اسلام نیز مراعات تناسب جرم و مجازات، در حقیقت از اصل «مقابله به مثل» ناشی می‌گردد^۳ که در آیات متعدد قرآنی، از جمله آیه ۱۹۴ سوره بقره بدان تأکید شده و چنین آمده است: «الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرْمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنْ عَتَدَىٰ عَلَیْكُمْ فَأَعْتَدُوا عَلَیْهِ بِمِثْلِ مَا عَتَدَىٰ عَلَیْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ»؛ ماه حرام، در برابر ماه حرام! [اگر دشمنان، احترام آن را

^۱ شیرینی، عباس (۱۳۸۵)، پارادایم‌های عدالت کیفری: عدالت سزادهنده و عدالت ترمیمی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۷۸، ص ۲۱۴.

^۲ حبیب‌زاده، محمدجعفر و رحیمی‌نژاد، اسماعیل (۱۳۸۷)، «مجازات‌های نامتناسب مجازات‌های مغایر با کرامت انسانی»، فصلنامه حقوق دانشگاه تهران، دوره ۳۸، شماره ۲، ص ۱۱۷-۱۱۸.

^۳ عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۷)، فقه سیاسی، ج ۳، چاپ چهارم، تهران: امیرکبیر، ص ۴۸۴.

شکستند، و در آن با شما جنگیدند، شما نیز حق دارید مقابله به مثل کنید] و تمام حرام‌ها، [قابل] قصاص است و [به طور کلی] هر کس به شما تجاوز کرد، همانند آن بر او تعدی کنید! و از خدا بپرهیزید [و زیاده روی ننمایید]! و بدانید خدا با پرهیزکاران است. این نکته نیز بدیهی است که مراد از واژه «مجازات» در مفاد اصل تناسب، «مجازات به معنای خاص؛ یعنی سزا و تنبیه» نیست تا بتوان آن را منحصر در رویکردهای سزادهی نمود، بلکه مقصود از آن، هرگونه واکنش و کنش کیفری است که قانونگذار در برابر جرم واقع شده یا متوقع الوقوع، اتخاذ می‌نماید. به هر روی، این توضیحات حاکی از آن است که «تشهیر مجرمان خطرناک متکی بر عدم آگاهی مردم، همچون شاهدان زوری که جرم خود را تکرار می‌کنند» در انطباق کامل با اصل تناسب جرم و مجازات به معنای کلی واکنش‌های کیفری می‌باشد.

۲.۴. تطبیق اصل تناسب جرم و مجرم با تشهیر مجرمان خطرناک

از آنچه در خصوص تطبیق اصل تناسب جرم و مجازات با تشهیر گفته شد، روشن می‌گردد که تشهیر با اصل «تناسب جرم و مجرم، یا همان اصل فردی کردن واکنش‌های کیفری» نیز سازگاری کامل دارد. زیرا وقتی یک فرد، به کرات با راهکارهای مزورانه و فریبکارانه و با سوء استفاده از عدم شناخت مردم نسبت به او و خصیصه حيله‌گری و عوام‌فریبی‌اش دیگران را بزه‌دیده می‌سازد، بهترین و مناسب‌ترین راهکار و واکنش کیفری قابل وضع در برابر این اقدامات مجرمانه وی، تشهیر و معرفی عمومی اوست تا با تحصیل شناخت از وی، قربانی تزویر وی نگردند (تناسب جرم و کیفر) و هنگامی که این پاسخ کیفری را تنها در مورد مجرمان دارای حالت خطرناک که به سبب تکرار بزه خود بدین مرتبه رسیده‌اند، اعمال می‌نماییم و نه هر مجرمی، این رویکرد حاکی از برقراری تناسب بین جرم و مجرم است که تحت عنوان: «اصل تناسب مجازات با مجرم، یا همان اصل فردی کردن کیفر یا تفرد مجازات» از آن یاد می‌شود که به اذعان پژوهشگران^۱ این اصل از اصول رویکرد سودمندی کیفر، یا فایده اجتماعی در مکتب کلاسیک می‌باشد که بر پایه آن برای یک جرم، به همه بزهکاران، کیفر یکسانی بار نمی‌شود.

۳.۴. تطبیق اصل شخصی کردن مجازات‌ها با تشهیر مجرمان خطرناک

در خصوص ارتباط وضع کیفر تشهیر برای برخی مجرمان خطرناک، با اصل «شخصی کردن مجازات‌ها» و شباهت موجود در این ارتباط نیز توجه به معنای مورد اراده حقوقدانان و جرم‌شناسان از این اصل، راه‌گشاست. برخی با این باور که مقتضای اصل شخصی کردن کیفرها این است که کیفر و مجازات می‌باید به نحوی اعمال گردد که هیچ کس غیر از مجرم، حتی به صورت غیرمستقیم آزرده نگردد و یا آسیب نبیند، کیفر تشهیر را که خواه ناخواه در فرآیند اجرایی خود آسیب‌های حیثیتی به خانواده و بستگان مجرم

^۱ ابراهیم پورلیالستانی، حسن (۱۳۸۷)، اهداف و مبانی مجازات: در دو رویکرد حقوق جزا و آموزه‌های دینی، چاپ اول، قم: بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ص ۳۴.

وارد می‌سازد، در تعابیر با این اصل کیفری می‌دانند.^۱ پاسخ به این شبهه در گرو آن است که بدانیم منظور از شخصی بودن مجازات که مفاد آیه شریفه: (وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى)^۲ نیز بر آن تأکید دارد، این است که هر کس مسئول عمل خویش است و هیچکس به سبب اعمال دیگران مجازات نمی‌گردد. اما مقصود این نیست که کیفرها باید به صورتی وضع و اعمال شود که هیچکس غیر از مجرم، حتی به صورت غیرمستقیم و قهری از آن آسیب نبیند؛ چون در این صورت تقریباً هیچ کیفری قابل اجرا نیست، زیرا در هر صورت در تمام واکنش‌های کیفری ممکن است بستگان و خانواده مجرم و حتی اجتماع، زیان ببیند.^۳ ولی در علم حقوق این گونه آثار غیرمستقیم را با اصل شخصی بودن مجازات‌ها، منافی نمی‌دانند؛ مثلاً در مجازات زندان فقط خود مجرم آسیب نمی‌بیند، بلکه خانواده او نیز از نظر مالی، حیثیتی و روحی متحمل آسیب می‌شوند، همچنین در مجازات اعدام و جریمه نقدی، تنها مجرم نیست که آسیب می‌بیند بلکه با فقدان وی، خانواده او نیز دچار مشکل می‌شوند.

مسئله اعمال مجازات، به طور غیرمستقیم، آثار و عوارضی برای دیگران دارد که نه در شرع مقدس اسلام و نه در علم حقوق، این آثار، برخلاف اصل شخصی بودن مجازات‌ها تلقی نمی‌گردد.^۴ گفتنی است که در حقوق جزا، پیش از رویکرد عدالت مطلق یا اخلاق محوری، در مکتب کلاسیک، دامنه محکومیت، پا را از مجرم فراتر می‌گذاشت و گستره آن، کسان وابسته به او را نیز در بر می‌گرفت؛^۵ یعنی یکی از شاخصه‌های دوران قدیم و عصر انتقام فردی، جمعی بودن مسئولیت کیفری بود. به این صورت که اجرای مجازات تنها متوجه شخص مجرم نبود، بلکه سایر اعضای قبیله نیز مورد انتقام شخص مجنی علیه و اطرافیان او واقع می‌شدند. لذا برای انتقام‌گیری از کشتن یک فرد، تمام قبیله‌ای که جانی به آن تعلق داشت مورد حمله قرار می‌گرفت. هر چند در دوران بعد و عصر دادگستری خصوصی که تحت تأثیر ادیان یهود و مسیحیت شکل گرفت، مسئولیت کیفری، تبدیل به مسئولیت شخصی شد، اما به مرور زمان با کمرنگ شدن سلطه کلیساها و محاکم مذهبی و قدرت گرفتن محاکم دولتی که توسط سلاطین منصوب می‌شدند، دوباره مسئولیت کیفری از مجرم به دیگر اعضای خانواده او تسری یافت، ولی از قرن هجدهم میلادی به بعد با ظهور مکاتب جدید کیفری این امر اصلاح شد.^۶ اصل شخصی کردن کیفرها و مجازات‌ها حاصل اصلاح این نگرش‌های نادرست باشد و بر پایه این اصل، ویژگی یاد شده کیفر، از میان رفت و دامنه آن، تنها به مجرم محدود گردید، لذا این اشکال در مورد کیفر تشهیر، کاملاً ناروا

^۱ زمانی، لیلای؛ ابویی، حسین و تولائی، علی (۱۳۹۰)، تشهیر شاهد زور، فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال ۴۴، شماره ۲، ص ۱۱۸.

^۲ سوره نجم، آیه ۳۸.

^۳ زیرک مبارکی، محمدرضا (۱۴۰۰)، تشهیر مجازات از منظر سیاست جنایی اسلام، فقه و قضا، شماره ۵، ص ۱۱۰.

^۴ نوربها، رضا (۱۳۹۲)، زمینه حقوق جزای عمومی، چاپ ۳۴، تهران: کتابخانه گنج دانش، ص ۱۴۴.

^۵ ابراهیم پور لیالستانی، (۱۳۸۷)، پیشین ص ۳۰.

^۶ علی آبادی، عبدالحسین (۱۳۹۲)، حقوق جنایی، ج ۱، چاپ سوم، تهران: فردوسی، ص ۸-۱۳ و ولیدی، محمدصالح (۱۳۹۴)، حقوق جزای عمومی،

ج ۱، چاپ ۱۴، تهران: سمت، ص ۱۹۴ - ۲۱۰.

بوده و با دقت در مفهوم درست اصل شخصی کردن کیفرها، خود به خود قابل رفع است. زیرا گرچه اصل شخصی بودن مجازات‌ها صرفاً اعمال کیفر در مورد بزهکاران را مورد توجه قرار می‌دهد، اما نباید نادیده انگاشت که به هر تقدیر، مجازات مجرم نمی‌تواند نسبت به خانواده او بی‌اثر باشد.

۵. آثار و بازدارندگی تشهیر

آنچه تا کنون در خصوص مبانی حقوقی - فلسفی کیفر تشهیر گفته شد، به نوعی بیانگر «اهداف» مورد نظر از اجرای چنین کیفری در مورد مجرمان خطرناک نیز می‌باشد؛ زیرا هر دو گزاره «مبنا» و «هدف» به «چرایی کیفر» به عنوان دو زیر مجموعه فلسفه مجازات معطوف می‌باشند،^۱ اما افزون بر این شایان ذکر است که اعمال کیفر تشهیر در خصوص چنین مجرمانی، خواه ناخواه آثار و فواید ناخواسته‌ای نیز به بار می‌آورد که هر چند نمی‌توان از آنها به عنوان «اهداف تشهیر» که نوعی اقدامی تأمینی است نام برد، اما تعبیر «آثار و فواید تشهیر»، برای آنها نادرست نخواهد بود. این آثار و فواید ناخواسته که به یقین، مطلوب بالاصاله شارع در فرآیند تشهیر مجرمان، نیست، اما ممکن است که خود به خود به دنبال رویداد تشهیر به وجود آیند، در غالب کیفرهای اسلامی رخ داده و گاه نیز مورد نظر شارع می‌باشد که از جمله آنها می‌توان به ویژگی «بازدارندگی خصوصی» و «بازدارندگی عمومی» کیفر، با اثرگذاری در وجدان بزهکار و بیننده اشاره نمود. این دو فایده و اثر مثبت، به هنگام اجرای کیفر تشهیر در مجرم مستحق هم قابل انتظار است که گروهی از فقیهان و حقوق‌دانان اسلامی نیز به آنها اشاره کرده‌اند و در این جا و در ادامه به تفصیل بدان‌ها پرداخته می‌شود.

۱.۵. اثر بازدارندگی درونی خصوصی

پیش از این، به استناد نصوص روایی وارده در خصوص تشهیر، معلوم گردید که «تشهیر»، فرصت بزه‌دیده‌سازی مجدد و ارتکاب دوباره جرم را از فرد تشهیر شده گرفته و آن را خنثی می‌سازد، اما آنچه در این بخش به عنوان اثر و فایده تشهیر مطرح می‌شود این است که تشهیر نه تنها علی‌رغم خواست باطنی آن مجرم خطرناک تشهیر شده، فرصت بزه‌دیده‌سازی مجدد را از او سلب می‌کند، بلکه با بیدار کردن ضمیر ناخودآگاه وی، سبب اصلاح ذاتی او گردیده^۲ و باعث خواهد شد که دیگر در فکر تکرار ارتکاب آن جرم نباشد و در باطن نیز، خواستار آن نباشد و بدین ترتیب نوعی تنفر درونی نسبت به آن فعل مجرمانه پیدا نماید.

^۱ ابراهیم پور لیالستانی (۱۳۸۷)، پیشین، ص ۲۲: «چرا که «مبنا»، همچون «هدف» به «چرایی کیفر»، معطوف است و این هر دو، زیر مجموعه فلسفه مجازات به شمار می‌روند».

^۲ غلامی، علی؛ مجتهدی، محمدحسین و طهماسبی، محمدحسن (۱۳۹۷)، مجازات تشهیر در تعزیرات (با رویکرد تطبیقی به مجازات‌های مبتنی بر شرمساری در ایالات متحده)، حقوقی دادگستری، شماره ۱۰۴، ص ۱۵۵.

انتظار می‌رود که بزهکار تشهیر شده، با تحمل تبعات قهری و ناخواسته حیثیتی وارد بر شخصیت خود و خانواده و بستگان وی که حاصل فرآیند تشهیر است، متنبه شده و از کرده خود پشیمان گردد و در رفتار خود تغییر ایجاد نماید.^۱ البته این به معنای ارباب مجرم و خودداری او از ارتکاب مجدد جرم، به علت ترس از مجازات نیست، بلکه مقصود، بیدار کردن وجدان پاک، اما ناخودآگاه انسانی و بازگرداندن وی به فطرت ذاتی خود است تا شأن خویش را فراتر از جرم گرایمی و تعدی از حدود و ثغور انسانیت بداند.^۲ این تأثیر بر حسب ساختار روانی و وضع اجتماعی بزهکار، شدت و ضعف دارد و گاه شاید تحقق هم نیابد اما به هر حال دور از انتظار نیست، زیرا بنا به فرموده پروردگار متعال در آیه هفتم از سوره حجرات؛ گریز و کراهت از عصیان و بدی‌ها و فسق و فجور، ویژگی ذاتی همه افراد بشر است که آفریدگار متعال در طبیعت هر انسان به ودیعت نهاده است.^۳ برهان‌الدین ابن ماز، با یادکرد عنوان «تعزیر» از کیفر «تشهیر شاهد زور»، هدف از تشهیر شاهد زور را دو چیز دانسته و می‌نویسد:^۴ هدف از تعزیر شاهد زور دو چیز است: اول: خودداری خود مجرم از تکرار شهادت زور در آینده، دوم: اینکه مردم او را بشناسند و خود را از آسیب او برحذر دارند. شایان ذکر است که از نظر این فقیه حنفی، یکی از اهداف اساسی از معرفی عمومی و تشهیر مجرمان خطرناک «خودداری خود مجرم از تکرار جرم ارتكابی، در مراحل بعدی» است که با اراده و خواست خود وی محقق می‌شود، نه با برهم زدن زمینه‌های ارتکاب و خنثی‌سازی آنها. بدیهی است که تنها با توبه و اصلاح درونی است که فرد مجرم، دست به تکرار جرم پیشین خود نخواهد زد و الا در صورت عدم وجود یک انگیزه بازدارنده درونی، نمی‌توان جلوی طغیانگری وی را گرفت. این بیداری درونی، عامل مهمی در کاهش خود به خودی جرم، خواهد بود؛ یعنی «اقدام تأمینی تشهیر» موجب بیدار شدن ضمیر ناخودآگاه مجرمان خطرناک گردیده و سبب بازداشت آگاهانه خود آنها از فکر ارتکاب مجدد آن جرم و در نتیجه کاهش جرایم خواهد شد. زیرا همان‌طور که یک دسته «عوامل بیرونی» در ارتکاب جرم تأثیر دارند، «عوامل دورنی» بیشماری نیز در بزهکاری افراد مؤثر می‌باشند^۵ که «اقدام تأمینی تشهیر»، تدبیری در اصلاح و جهت دهی به این عوامل درونی نیز می‌تواند باشد؛ یعنی ممکن است که اجرای کیفر تشهیر موجب

^۱ محدثی، زهرا و سلطانی، عباسعلی (۱۳۹۶)، نگرشی بر مجازات تشهیر در فقه شیعه با نگاهی به قوانین موضوعه ایران، پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، شماره ۴۹، ص ۷۷.

^۲ رشادتی، جعفر و رضایی، علی (۱۳۹۹)، کیفرشناسی تشهیر و امکان‌سنجی نشر تصویر، حکم محکومیت و رسواسازی قضات متخلف، حقوقی، دادگستری، شماره ۱۱۰، ص ۸۵.

^۳ اشاره است به آیه: (وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِّنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبِيبٌ إِلَيْكُمْ الْأَيْمَانَ وَزَيْنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَهُ إِلَيْكُمْ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ)؛ و بدانید رسول خدا در میان شماست هر گاه در بسیاری از کارها از شما اطاعت کند، به مشقت خواهید افتاد ولی خداوند ایمان را محبوب شما قرار داده و آن را در دل‌هایتان زینت بخشیده و [به عکس] کفر و فسق و گناه را منفورتان قرار داده است کسانی که دارای این صفات اند هدایت یافتگان‌اند.

^۴ ابن ماز، الميخط البرهاني، ج ۹، ص ۴۴۸.

^۵ اردبیلی (۱۴۰۰)، پیشین، ج ۱، ص ۳۰.

شود تا مجرم به اشتباه خویش پی برده و وجدان و ایمانش بیدار گردد و به توبه روی آورده و پس از آن به گناه و ارتکاب جرم آلوده نشود.

ابواسحاق شیرازی، از فقیهان مشهور شافعی مذهب نیز همین هدف بازدارندگی باطنی و خصوصی مورد انتظار از کیفر تشهیر را مدنظر قرار داده و می‌آورد: هرگاه ثابت گردد که فردی شهادت زور داده است و حاکم شرع مصلحت را در تعزیر او با تازیانه زدن، یا حبس کردن، یا مانع شدن ببیند، آن را انجام می‌دهد و اگر صلاح بداند که امر او را در ملاً عام تشهیر کند، همان کار را می‌کند به علت روایت بهز بن حکیم و نیز به علت اینکه تشهیر هم برای خود مجرم و هم برای دیگرانی که کیفر او را می‌بینند بازدارنده خواهد بود.^۱ نووی و ماوردی، دو تن دیگر از فقیهان شافعی نیز عین همین تعبیر را آورده‌اند.^۲

دکتر محمدعلی اردبیلی، در توضیح علت «انتشار حکم محکومیت» به عنوان یکی از اقدامات تأمینی مصرح در ماده ۱۲ و ۱۷ قانون اقدامات تأمینی ایران می‌نویسند: شناسایی بزهکاران، چنان که در باب انتشار حکم بنا به رأی دادگاه گفته شد، اثر بازدارندگی دارد که فعلاً کمتر مورد اعتناست. برخی از پژوهشگران نیز در حمایت از رویکرد عدالت کیفری آماری و گفتمان مدیریت ریسک جرم، به ویژه در روش اطلاع رسانی عمومی و تشهیر بزهکاران جنسی خطرناک، معتقدند که: ارزیابی و مدیریت ریسک جرم، همچنین می‌تواند به عنوان یک فرصت برای خود بزهکار جنسی، برای به دست آوردن درک صحیح نسبت به رفتارهای خشونت آمیز خود، مورد استفاده قرار گیرد.^۳

به هر روی، آنچه از توضیحات فوق روشن می‌گردد این است که یکی از آثار مهم قابل انتظار از فرآیند اجرایی واکنش کیفری «تشهیر»، «کاهش خود به خودی جرایم، به دنبال اصلاح و بازداری ذاتی خصوص مجرمان خطرناک»، می‌باشد، زیرا کیفر تشهیر و تبعات حاصل از خدشه دار شدن حیثیت مجرم خطرناک می‌تواند او را متنبه ساخته و در رفتار وی تغییر به وجود آورد.^۴ ناگفته نماند که از نگاه برخی اندیشمندان، بازدارندگی خصوصی، جزو اهداف قانونگذار از اجرای همه تدابیر و اقدامات تأمینی می‌باشد که به عنوان هدف مشترک بین مجازات‌ها و اقدامات تأمینی دنبال می‌شود.

^۱ شیرازی، المذهب فی فقه الإمام الشافعی، ج ۲، ص ۳۲۹.

^۲ نووی، المجموع شرح المذهب، ج ۲۰، ص ۲۳۲ و الماوردی، الحاوی الکبیر، ج ۱۶، ص ۳۲۰.

^۳ Eric B. Elbogen, Marc Patry, Mario J. Scalora. (2003), The impact of community notification laws on sex offender treatment attitudes. International Journal of Law and Psychiatry. Vol 26. p209.

^۴ غلامی، علی (۱۴۰۱)، بررسی اهداف مجازات تشهیر در فقه امامیه، فقه جزای تطبیقی، شماره ۷، ص ۱۹.

۲.۵. اثر بازدارندگی درونی عمومی

پس از بررسی اثر کیفر تشهیر در بازدارندگی درونی خصوص مجرمان خطرناک، باید خاطر نشان شد که «واکنش کیفری تشهیر و معرفی عمومی مجرم، جرم و مجازات او»، علاوه بر خود مجرم خطرناک، همین اثر بازدارندگی را درخواست باطنی دیگر افراد مستعد نیز خواهد داشت. زیرا با دیدن صحنه تشهیر مجرم و شناخت بدی که عموم افراد نسبت به او پیدا می‌کنند، ذاتاً خواستار انجام کاری که سرانجامش چنین بدنامی در بین افراد جامعه باشد، نخواهند بود.

گرچه از نگاه برخی جرم‌شناسان و حقوقدانان، «بازدارندگی عمومی» جزو اهداف اجرایی هیچ یک از اقدامات و تدابیر تأمینی نمی‌باشد،^۱ اما در مقابل، برخی دیگر همچون پرفسور محمود نجیب حسنی، حقوقدان و جرم‌شناس مصری، علی‌رغم پذیرش هدف نبودن بازدارندگی عمومی در اقدامات تأمینی معتقدند که می‌توان وقوع آن را به صورت یک اثر ناخواسته در مورد اقدامات تأمینی رنج آور، انتظار داشت.^۲ ابن براج، در خصوص اثر بازدارندگی درونی تشهیر نسبت به دیگر افرادی که استعداد ارتکاب چنین جرایمی را دارند می‌نویسد: حاکم شرع می‌بایست شهود زور را تعزیر کند و آنان باید در محله شان معرفی عمومی شوند تا عاملی برای ارتداع و بازداشتن دیگران از ارتکاب همانند آن جرم، شود.^۳

امام خمینی نیز با تأکید بر وجود چنین اثر بازدارندگی عمومی در کیفر تشهیر، می‌آورد: واجب است که شاهدان زور، در سرزمین خود یا در محله شان معرفی عمومی شوند تا از پذیرش گواهی آنها اجتناب شده و سبب بازدارندگی خود به خودی دیگر افراد هم بشود.^۴ فقیهان بی‌شماری از امامیه نیز عین همین تعبیر را نه تنها در تبیین هدف از اجرای کیفر تشهیر «شاهد زور» بلکه در بیان مقصود از اجرای این اقدام تأمینی در مورد مجرمان «محتال و مدلس» هم آورده‌اند؛^۵ مثلاً ابن ادریس حلی می‌گوید: عقوبت، تعزیر و تأدیب و ضمانت کسی که با مکر و حيله و جعل نوشته و پیام‌های دروغین و شهادت زور و سایر شیوه‌های دروغین از اموال مردم کلاه برداری کرده است، واجب می‌باشد و باید آنچه را که گرفته به تمام و کمال، پس دهد و شایسته است که حاکم، او را تشهیر کند تا سبب بازدارندگی و ارتداع دیگران از ارتکاب همانند آن در زمانهای آتی شود و او را با زدن از پای درآورد.^۶

^۱ صبحی نجم، اصول علم الإجرام والعقاب، ص ۱۱۸-۱۱۷.

^۲ حسنی، همان، ص ۲۹.

^۳ ابن براج، المذهب، ج ۲، ص ۵۶۴ «و علی الإمام تعزیر الشهود بالزور، ویُشهرهم فی محالهم؛ لیرتدع غیرهم بذلک».

^۴ امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۴۵۴: «یجب أن یُشهرَ شهودُ الزور فی بلدهم أو حیهم لتجنب شهادتهم و یرتدع غیرهم».

^۵ طوسی، النهایه، ص ۷۲۲؛ ابن ادریس، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ج ۳، ص ۵۱۲؛ محقق حلی نکت النهایه، ج ۳، ص ۳۳۶؛ نجفی، جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۲۵۲؛ نراقی، مستند الشیعه، ج ۱۸، ص ۴۳۲ و طباطبائی، ریاض المسائل (ط - الحدیثه)، ج ۱۵، ص ۴۳۱.

^۶ ابن ادریس، همان.

چنان که ملاحظه می‌شود، در همه این عبارتها از واژه «ارتداع» استفاده شده است که از باب افتعال و از ریشه «ردع» بوده و به معنای «خودداری و جلوی خود را گرفتن» می‌باشد، برخلاف خود واژه «ردع» که به معنای «جلوی دیگری را گرفتن» است؛ یعنی ایشان بر این باورند که کیفر تشهیر سبب خواهد شد تا بزهکاران بالقوه؛ یعنی تک تک افراد جامعه و ناظران مراسم تشهیر مجرم، کف نفس کرده و از آلوده شدن به جرایم مشابه، امتناع ورزند.

شکی در این مطلب نیست که انسان به اقتضای ذات خویش، استعداد حریم شکنی و تعدی از حدود پیش روی خویش را دارد^۱ و وعیدهای مصرح قرآن مجید در مورد افراد متجاوز و حریم شکن، عامل مهمی در بازداری خود به خودی افراد از ارتکاب این تعديات می‌باشد. همین اثر یادشده، در مورد هر یک از کیفرهای دنیوی مترتب بر جرایم، از جمله «کیفر تشهیر» نیز موجود است و توجه به این واکنش کیفری اسلامی «به نوبه خود»، موجب بازداری درونی عموم افراد خواهد شد زیرا در نظام الهی که هدف، سعادت انسان و هدایت اوست، کیفرها عمدتاً با هدف اصلاح ذاتی و درونی بزهکاران و بازسازی آنها اجرا می‌شود. امام خمینی در موارد متعدد بر این اثر عمومی کیفرهای اسلامی تأکید دارد و می‌فرماید:

این حدود، همان طوری که تربیت می‌کند اشخاص را ملت را هم می‌رساند به جایی که این طور فسادها در او کم بشود. اگر چنانچه یک حدی جاری بشود، این حدی که جاری می‌شود، هم تربیت می‌کند آن کسی را که کند آن کسی را که حد خورده است و هم برای ملت، خوب است.^۲ در مجموع، مقررات جزایی اسلام، کیفر را برای نفس مجازات، مقرر نداشته، بلکه آن را به عنوان آخرین اقدام در جهت تأدیب و تربیت افراد، اصلاح جامعه و از بین بردن تباهی‌ها مورد نظر قرار داده است. زیرا قبل از توسل به مجازات‌های سنگین، تأسیسات اخلاقی و حقوقی، اسلام بیشتر در جهت بالا بردن سطح آگاهی و فرهنگ و تلاش در رفع نابسامانی‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و اخلاقی مردم است.

تحقق این آرمان‌ها زمینه مساعد برای وقوع جرایم را از بین برده و یا به حداقل، محدود می‌کند. بنابراین، خود کیفر و مجازات، هدف نیست، بلکه صرفاً مقدمه و وسیله‌ای است برای سالم سازی و حفظ نظم و امنیت در جامعه با پیشگیری از عوامل جرم‌زا.^۳ ابن جبرین، از فقیهان معاصر حنبلی، در تبیین این اثر «تشهیر» می‌گوید: واجب است که شاهد زور تشهیر شود و برخی از علما معتقدند که باید در بازارها و راه‌ها گردانده شده و معرفی گردد تا مردم، خود را از آسیب او در امان دارند و نیز خود مردم، از ارتکاب

^۱ اشاره به آیه ۵ سوره قیامت که می‌فرماید: (بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ).

^۲ صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۱۹۳؛ مورخه ۶۴/۵/۸ و ص ۸۴؛ مورخه ۶۳/۹/۲۰؛ نیز، آداب الصلاة، ص ۲۳۶ - ۲۳۷.

^۳ گلدوزیان، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، ص ۲۸.

چنین جرمی خودداری نمایند.^۱ بنا بر گفته‌های پیشین، می‌توان از «اصلاح و بازداری ذاتی مجرمان بالقوه» به عنوان اثر و فایده دیگری از اجرای کیفر تشهیر یاد نمود.

نتیجه

قانونگذار ایرانی در قوانین موضوعه کشورمان تشهیر را به عنوان یکی از انواع مجازات‌ها پذیرفته و قوانینی در این زمینه وضع نموده است. از جمله ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) که مجازات‌های تعزیری را درجه بندی نموده و مجازات تشهیر را ذیل درجه ششم آنها قرار داده است. همچنین، در ماده ۳۵۳ قانون آیین دادرسی کیفری (مصوب ۱۳۹۲) و تبصره‌های ذیل آن به نوعی مجازات تشهیر متبلور گردیده است. اما با این حال در قوانین موضوعه ایران، نسبت به وضع قوانینی مدون در خصوص این کیفر و اشاره به اهمیت آن در برخی جرایم، کم توجهی صورت گرفته است و جز در مورد اعلام اسامی مفسدان اقتصادی، هیچ اثری از وضع قانونی مدون در این باره نمی‌توان مشاهده نمود و با این که در برخی جرایم چون ارتشاء، کلاهبرداری، تخلف حکومتی، تخریب اموال عمومی، شرارت‌های خیابانی لازم به نظر می‌رسد که متخلفان معرفی شوند، اما با یک دید کلی در حقوق موضوعه، متوجه خواهیم شد که در این مورد قانون ما دچار خلأ قانونی است؛ هرچند در سال‌های اخیر، این کیفر از طریق قدیمی خود مثل گرداندن مجرم در محله‌های مختلف و در مورد برخی اشرار خیابانی انجام شده که عدم ذکر صریح ماده قانونی در این خصوص، موجب بروز مخالفت از جانب برخی منتقدان و صاحب نظران گردیده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در قوانین موضوعه جمهوری اسلامی ایران به استفاده از «تشهیر» تصریح نشده و به تبع آن ساز و کار و الگوی مناسبی جهت اجرای آن نیز وجود ندارد. در این میان، مبانی جرم‌شناختی، می‌توانند چارچوب‌هایی برای ارتقای کیفیت اثرگذاری مجازات بر برخی مجرمان را تعیین نمایند تا بر اساس آن الگویی قابل تجویز برای بهره‌گیری از مجازات تشهیر تصور شود. از آنجا که تشهیر، کیفری فایده‌گرا است و هدف از آن ایجاد بازدارندگی در جامعه است، لذا الگوی پیشنهادی باید بر این اساس، پایه‌ریزی شود. مهم‌ترین معیار جهت تعیین جرایمی که استفاده از «تشهیر» برای آن‌ها قابل تجویز است، میزان ارتباط آن جرم با مقوله «اعتماد عمومی» است. در عین حال پذیرش تشهیر به عنوان یک مجازات بازدارنده از سوی افکار عمومی رکن اساسی در تعیین مطلوبیت مجازات مزبور است. بنابراین در فرض عدم همراهی افکار عمومی، تشهیر نه تنها کارکرد خود را از دست خواهد داد، بلکه دارای کارکرد ضدتبلیغی نیز می‌شود. لذا در تشهیر مجرمان، باید پیوست رسانه‌ای مطلوبی تهیه گردد و

^۱ ابن جبرین، شرح عمده الأحكام (تقریرات)، جلسه ۷۳، ص ۱۷.

افکار عمومی در این زمینه اقناع شوند. در صورتی که پیوست رسانه‌ای صحیحی تهیه نشود و یا امکان اقناع نمودن افکار عمومی وجود نداشته باشد، عدم استفاده از «تشهیر» اولی است.

منابع

- آقایی جنت مکان، حسین (۱۳۹۹)، حقوق کیفری عمومی، چاپ چهارم، تهران: مجد.
- ابراهیم پورلیالستانی، حسن (۱۳۸۷)، اهداف و مبانی مجازات: در دو رویکرد حقوق جزا و آموزه‌های دینی. چاپ اول، قم: بوستان کتاب قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ه.ق). لسان العرب، جلد ۱۴، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع. بیروت، چاپ سوم.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۴۰۰). حقوق جزای عمومی. جلد ۱، چاپ ۶۴، تهران: میزان.
- جمعی از نویسندگان (۱۴۲۷ه.ق). الموسوعه الفقهیه الکویتیه. جلد ۲، قاهره: طبع الوزارة.
- حراملی، محمدبن حسن (۱۴۰۰). وسائل الشیعه. جلد ۲۷، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- جوهری، ابونصر (۱۴۰۷ه.ق). الصحاح تاج اللغه و صحاح العربیه. جلد ۲، چاپ چهارم، بیروت: دارالعلم للملایین.
- زبیدی، مرتضی (۱۴۲۰ه.ق). تاج العروس من جواهر القاموس. ج ۷، چاپ سوم، الناشر: دارالفکر.
- علی آبادی، عبدالحسین (۱۳۹۲). حقوق جنایی. جلد ۱، چاپ سوم، تهران: فردوسی.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۷). فقه سیاسی. جلد ۳، چاپ چهارم، تهران: امیرکبیر.
- نجفی، محمد حسن (بی تا). جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام. بیروت: مؤسسه المرتضی العالمیه.
- نوربها، رضا (۱۳۹۲). زمینه حقوق جزای عمومی. چاپ ۳۴، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- نیوبور، دیوید (۱۳۸۹). نظام عدالت کیفری و ساختار محاکم در آمریکا (آیین دادرسی کیفری). ترجمه حمیدرضا فراگوزلو، چاپ اول، تهران: مجد.
- ولیدی، محمدصالح (۱۳۹۴). حقوق جزای عمومی. جلد ۱، چاپ ۱۴، تهران: سمت.
- آهنگران، محمدرسول و همکاران (۱۳۹۸). جایگاه تشهیر رسانه‌ای در مبارزه با مفاصد اقتصادی. رهیافت انقلاب اسلامی، شماره ۴۹.
- پارساپور، محمد باقر (۱۳۹۳). فلسفه اعلامی عمومی جرم. قم، مجله‌ی پژوهش‌های فلسفی کلامی، سال چهارم، شماره اول و دوم.
- حبیب‌زاده، محمدجعفر؛ رحیمی‌نژاد، اسماعیل (۱۳۸۷). مجازات‌های نامتناسب مجازات‌های مغایر با کرامت انسانی. فصلنامه حقوق دانشگاه تهران، دوره ۳۸، شماره ۲.
- حیدری، علی‌مراد (۱۳۹۲). نقد کیفرشناختی تشهیر رسانه‌ای، حقوق اسلامی. سال دهم، شماره ۳۸.
- رشادتی، جعفر؛ رضایی، علی (۱۳۹۹). کیفرشناسی تشهیر و امکان‌سنجی نشر تصویر، حکم محکومیت و رسواسازی قضات متخلف. حقوقی دادگستری، شماره ۱۱۰.
- زمانی، لیلا؛ ابویی، حسین؛ تولائی، علی (۱۳۹۰). تشهیر شاهد زور. فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال ۴۴، شماره ۲.
- زیرک مبارکی، محمدرضا (۱۴۰۰). تشهیر مجازات از منظر سیاست جنایی اسلام. فقه و قضا، شماره ۵.
- شیری، عباس (۱۳۸۵). پارادایم‌های عدالت کیفری: عدالت سزادهنده و عدالت ترمیمی. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۷۸.
- علیزاده، محسن (۱۳۹۵). بررسی مبانی و آثار اجرای علنی کیفر. مجله امنیت، سال پنجم، شماره ۲۳.

غلامی، علی؛ مجتهدی، محمدحسین؛ طهماسبی، محمدحسن (۱۳۹۷). مجازات تشهیر در تعزیرات (با رویکرد تطبیقی به مجازات‌های مبتنی بر شرمساری در ایالات متحده). حقوقی دادگستری، شماره ۱۰۴.

غلامی، علی (۱۴۰۱). بررسی اهداف مجازات تشهیر در فقه امامیه. فقه جزای تطبیقی، شماره ۷.

مرتاض، احمد (۱۳۹۶). بررسی مبانی تشهیر از منظر مذاهب خمس و حقوق موضوعه، مجله علوم قضایی. سال هفتم، شماره ۳۹.

محدثی، زهرا؛ سلطانی، عباسعلی (۱۳۹۶). نگرشی بر مجازات تشهیر در فقه شیعه با نگاهی به قوانین موضوعه ایران. پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، شماره ۴۹.

میرخلیلی، سید محمود؛ عزیزی، سمیه (۱۳۹۸). بررسی آثار بازنمایی جرم در اخبار و گزارش‌های رسانه‌ای با تأکید بر پیشگیری از جرم، رهیافت پیشگیری، شماره ۷.

عیسی‌زاده، بشیر (۱۴۰۱). مبانی کیفرشناختی تشهیر در نظام حقوقی ایران با ارائه الگوی مطلوب. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق علیه السلام، دانشکده معارف اسلامی و حقوق.

Eric B. Elbogen, Marc Patry, Mario J. Scalora. (2003), The impact of community notification laws on sex offender treatment attitudes. *International Journal of Law and Psychiatry*. Vol 26.